

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۱۶ اکتوبر ۲۰۱۱

تضاد انتاگونیستی (آشتی ناپذیر) و انتاگونیسم در تضاد

تضاد انتاگونیستی و تضاد غیر انتاگونیستی دو شکل اساسی تضاد و دو نوع تضاد با ماهیت متفاوت اند. در جوامع طبقاتی، تضاد انتاگونیستی معرف تضادی است که ناشی از تضاد اساسی و منافع طبقاتی متخاصم است. تضاد غیر انتاگونیستی تضادی است که بر پایه تطابق منافع اساسی قرار گرفته است. تضاد انتاگونیستی پس از این که به درجه معینی از تکامل و پختگی خود رسید، ضرورتاً به شکل یک انتاگونیسم و مبارزه آشکار در می آید و برای حل آن یک شکل انتاگونیستی مبارزه ضروری می گردد. به عنوان مثال تضاد میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده (تضاد میان بردگان و برده داران، دهقانان و فیودالان، کارگران و سرمایه داران) تضادی از نوع آشتی ناپذیر یا انتاگونیستی است. پس از این که این تضاد انتاگونیستی به درجه معینی از رشد و تکامل خود رسید، ضرورتاً شکل یک منازعه آشکار را به خود گرفته و انقلاب فرا می رسد: "درک این واقعیت شایان اهمیت است. این امر به ما کمک می کند که دریابیم انقلابات و جنگ های انقلابی در جوامع طبقاتی اجتناب ناپذیرند و بدون آنها نه می توان جهشی در تکامل جامعه انجام داد و نه می توان طبقات ارتجاعی حاکم را سرنگون ساخت، و در نتیجه کسب قدرت سیاسی از طرف خلق غیر ممکن می گردد."^۱

تضاد غیر انتاگونیستی یا آشتی ناپذیر عموماً در شرایط انطباق منافع اساسی خلق به وجود می آید. در نتیجه شکل یک جدال آشکار را به خود می گیرد. بنابر این تضاد آشتی ناپذیر فقط یک شکل از مبارزه اضداد است. تشخیص خصلت تضاد ها (آشتی پذیر یا ناپذیر بودن آنها) و همچنین اشکال مبارزه متناسب با آنها نقش بزرگی در حل صحیح تضاد ها بر عهده دارد. مائوتسه دون بر اهمیت این امر تکیه کرده و می گوید: "ما باید به شکل مشخصی شرایط مختلفی را که مبارزه اضداد در آن جریان دارد بررسی کنیم و تضاد های کیفیاً متفاوت را با طرق و شیوه های متفاوت حل نمائیم."

^۱ - مائوتسه دون: "در باره تضاد"

مسأله مهم دیگر تضاد های انتاگونیستی و غیر انتاگونیستی تبدیل این دو به یکدیگر اند. از آنجا که این دو شکل تضاد دو جهت تضاد واحدی را تشکیل می دهند، بنابر این می توانند تحت شرایط معینی به یکدیگر تبدیل شوند. برخی از تضاد ها خصلت انتاگونیستی آشکار نشان می دهند، در حالی که پاره ای دیگر چنین خصلتی ندارند، برخی از تضاد ها در ابتدا غیر انتاگونیستی هستند ولی ممکن است به تضاد های انتاگونیستی تبدیل شوند و به عکس برخی که در آغاز انتاگونیستی هستند، ممکن است به تضاد های غیر انتاگونیستی تغییر یابند. برای این که این تبدیل صورت بگیرد، تکامل و شرایط معینی لازم است. بدون این شرایط معین تبدیل یک نوع تضاد به نوع دیگر ممکن نیست. مثلاً در یک جامعه سرمایه داری، تضاد میان کار یدی و کار فکری از نوع تضاد انتاگونیستی است (همچنین تضاد بین شهر و ده)، اما این تضاد انتاگونیستی در شرایط پیروزی انقلاب پرولتری و ساختمان سوسیالیسم به تضاد غیر انتاگونیستی تبدیل می شوند و یا در درون حزب کمونیست تضاد بین نظرات درست و نادرست که انعکاس تضاد های طبقاتی در جامعه است (و همواره تا زمانی که طبقات وجود دارند، موجود اند، وجود خواهد داشت) در ابتدا غالباً انتاگونیستی نیستند. ولی با رشد مبارزه طبقاتی ممکن است به تضاد انتاگونیستی تبدیل شوند. نظیر تضاد بین نظرات درست لنین و ستالین از یک سو و نظرات نادرست تروتسکی و بوخارین از سوی دیگر که در ابتداء در حزب بلشویک خصلت انتاگونیستی نداشت ولی بعد ها خصلت انتاگونیستی یافت و به تضاد میان پرولتاریا و دشمنان پرولتاریا تبدیل گردید.

تشخیص صحیح تضاد های آشتی ناپذیر و آشتی پذیر و یافتن اشکال متناسب حل آنها (از طرق و اشکال متخاصم و غیر متخاصم) در جریان پراتیک انقلابی نقش بسیار با اهمیتی را ایفاء می کند. در حالی که تضاد های آشتی ناپذیر از طریق یک مبارزه حاد، از طریق انقلاب قابل حل اند، حل تضاد های آشتی پذیر، تضاد های درون خلقی، باید از طریق آموزش، کار تربیتی، اقناع و به شیوه دموکراتیک انجام گیرد.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم